

«مذهب قشری» و «مذهب عرفانی»: نفرت و نابسامانی یا عشق و آبادانی؟

دکتر میترا مقبوله

در یکی از حکایت های عرفانی آمده است که روزی دو دیوانه شدیداً باهم گلاویز شده و با مشت و کتک و بد و بیراه به جان هم افتاده بودند. دیوانه سومی به آنها نزدیک شد و علت دعوا را از آنها جویا شد. اولی باقیافه ای حق به جانب چنین ادعا کرد: «خداوند دیشب بر من ظاهر شد و به من اعلام نمود که من تنها پیامبر برگزیده او هستم!» دیوانه دوم سخن اولی را با خشونت قطع کرد و گفت: «این مردک مزخرف میگوید! حق تعالی امکان ندارد چنین انتخاب احمقانه ای بکند! همین دیشب خداوند بر من آشکار شد و به من اعلام نمود که من پیامبر برگزیده او هستم!» دیوانه سومی سری جنبانید و با کمال اطمینان خاطر خطاب به آنها گفت: «هر دوی شما مزخرف میگویید! بنده دیشب به سراغ هیچکدام از شما نیامدم و هیچیک از شما را به پیامبری انتخاب نکردم!»

خودشیفتگی جنون آمیز قشریون مذهبی و طرزبرداشت سطحی و تفرقه انگیزی که از دین و مذهب و از مندرجات کتب مقدس دارند بی شباهت به توهمات و هذیان گویی سه دیوانه داستان فوق نیست. مدارک پژوهشی موجود نشان میدهد که شباهت فکری میان قشریون مذهبی و اشخاص مبتلا به جنون بهیچوجه اتفاقی نیست. قشریگری مذهبی بدون شک ویرانگرترین و کشنده ترین عامل بدبختی و جنگ و فلاکت در تاریخ بشریت می باشد. به قول علی حیدری:

گوید که خدا منم، همین است و همین

یک روز اگر خدا بیاید پایین

چندان بزندش که بیفتد به زمین!

دانی چه شود؟ شیخ و کشیش و ربای

چنانکه تجربیات تاریخی نشان میدهند، سرکوبی و انکار دین و مذهب، سعی در یکی کردن ادیان، و ذهن گرائی و علم و دانش منطقی هیچیک نمیتوانند پادزهر مناسبی در برابر تعلیمات مسموم کننده ادیان قشری ارائه دهند. اما اینکار از طریق «مذهب عرفانی» امکان پذیر است. در زیر به تفاوت های عظیمی که میان «مذهب عرفانی» و «مذهب قشری» موجود است توجه میکنیم:

۱ مذهب قشری شدیداً دچار «آتوریتاریانیزم» Authoritarianism یا قدرت طلبی و سلطه جویی و سلطه پذیری است و به پیشوایان دینی اجازه می دهد که عقاید مذهبی خود را به سایرین تحمیل کنند، و به توده مردم می آموزد که کورکورانه از رهبران مذهبی پیروی کنند. در مقایسه، مذهب عرفانی درحالیکه احترام به پدر و مادر و ربای و مربی و اجرای دستورات دینی را برای مهار نفس حیوانی به فرد توصیه می کند، اما از تحمیل اراده در مورد مسائل مذهبی، و از تقلید و پیروی کورکورانه از آتوریته های مذهبی رویگردان است، و به فرد می آموزد که کلیه تلقینات و اعتقادات مذهبی را زیر سؤال ببرد، و آنچه را که مانع تعالی روحی بالاتر و تجلی عشق بیشتر در وجود اوست به دور بیا فکند.

۲ مذهب قشری سخت در بند «دوآلیسم» Dualism یا جداسازی و نفاق و کشمکش میان اضداد مانند مرد و زن، اولیا و فرزندان، خویش و بیگانه، و همدین و غیرهمدین می باشد، اما مذهب عرفانی میان همه اضداد هارمونی و صلح نهایی متصور است و عشق و محبت و عدالت نسبت به همه ابنای بشر را توصیه می کند.

۳ مذهب قشری شدیداً دچار خودشیفتگی است، یعنی اینکه یهودی قشری کتاب مقدس خود را، قوم خود را، و افسانه های دینی خود را همه کلام خداوند و راست و برحق و برترین می پندارد، اما آنچه را که متعلق به غیریهودیان است قلابی و پست و کم ارزش قلمداد می کند. درمقایسه، مذهب عرفانی از هر نوع خودشیفتگی و خودپسندی رویگردان است، به کلیه ادیان احترام می گذارد و به انسان می آموزد که میان یهودی و مسلمان و حبشه ای و هندی و غیره هیچ تفاوتی از نظر ارزشمندی در دیدگاه خداوند موجود نمی باشد.

مهربانیست که سرلوح همه ادیانست
قوم موسی و محمد زچه سرگردانست؟

نیست دین غیر محبت به بنی نوع بشر
گر فقط مذهب و دین مظهر انسان شدنست

﴿ مذهب قشری اسیر «لیترالیسم» Literalism است، به این معنا که افسانه های دینی و قومی را بطور تحت اللفظی و خرافاتی تعبیر می کند و به همین جهت میان پیروان ادیان قشری همواره اختلاف نظر و جنگ و ستیز برقرار است. اما مذهب عرفانی درون نگر است و به معانی عمیق درونی و سمبولیک این افسانه های توجه دارد و به همین جهت قادر است میان مفاهیم درونی افسانه های ادیان مختلف هارمونی ایجاد کند.﴾

مشت برهم میزدند از ابلهی صاحب سری، عزیزی صدزبان
پر بدند از جهل وز دانش تهی گر بدی آنجا، بدادی صلحشان

﴿ مذهب قشری شدیداً دچار خودشیفتگی یا Narcissism است، یعنی اینکه انسان قشری کتاب مقدس خود را، قوم خود را، و افسانه های دینی خود را همه کلام خداوند و راست و برحق و برترین می پندارد، اما ادیان دیگر را دستخورده و قلابی و پست و کم ارزش قلمداد می کند. درمقایسه، مذهب عرفانی از هر نوع خودشیفتگی و خودپسندی رویگردان است، به کلیه ادیان احترام می گذارد و به انسان می آموزد که میان یهودی و مسلمان و حبشه ای و هندی و غیره هیچ تفاوتی از نظر ارزشمندی در دیدگاه خداوند موجود نمی باشد.﴾

مهربانیست که سرلوح همه ادیانست
قوم موسی و محمد زچه سرگردانست؟

نیست دین غیر محبت به بنی نوع بشر
گر فقط مذهب و دین مظهر انسان شدنست

﴿ مذهب قشری با آزاداندیشی و علم و دانش سر ستیز دارد و می کوشد که از طریق اعمال زور، سانسور و تکفیر، و حتی با توسل به ارباب و تهدیدهای جانی آزاداندیشان را ساکت کند. اما مفاهیم سمبولیک و درونی مذهب عرفانی با مفاهیم علمی بخصوص با کشفیات رشته فیزیک کوانتوم کاملاً در انطباق و هارمونی میباشند. مذهب عرفانی به آزادی اراده، آزادی اندیشه، و آزادی بیان انسانها احترام می گذارد و در کشف حقایق هستی با دانشمندان همکاری می کند. در اسپانیای قرن دوازدهم شالوده برخی از عظیم ترین پیشرفت های علمی و فلسفی و ادبی بشریت از طریق همکاری میان عرفای یهود و عارفان مسیحی و صوفیان مسلمان ریخته شد. (بنگرید به کتاب «چلچراغ» بخش سوم)

شهر خالی است ز عشاق، بود کز طرفی مردی از خویش برون آید و کاری بکند؟

نور عشق و حقیقت و نیروی خرد و شهامت در همه تصمیم ها راهنمایان باد.